

بررسی و اولویت بندی موانع توسعه اشتغال در استان سیستان و بلوچستان

مجید کریم زاده*

استادیار اقتصاد، مجتمع آموزش عالی سراوان، سراوان، ایران

بهزاد کریم زاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

چکیده

این مقاله در پی شناسایی، اولویت بندی و تبیین موانع مؤثر بر توسعه اشتغال در استان سیستان و بلوچستان است. این اولویت بندی از طریق فرآیند تحلیل سلسله مراتبی و با استفاده از نرم افزار Expert Choice صورت می گیرد. ابتدا با استفاده از مطالعات اولیه، پیشینه تحقیق و منابع کتابخانه ای مدل اولیه این تحقیق طراحی گردید و سپس با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه حضوری با اساتید دانشگاه و خبرگان حوزه اشتغال، مدل نهایی تحقیق به دست آمد. طی این پژوهش، معیارها و زیرمعیارهای مؤثر بر اشتغال شناسایی و سپس به ترتیب اهمیت اولویت بندی گردید. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان داد که، از میان موانع بررسی شده، موانع زیرساختی و ساختاری با وزن ۰/۳۲ بیشترین و موانع آموزشی با وزن ۰/۰۸ کمترین اهمیت را بعنوان مانع در توسعه اشتغال استان سیستان و بلوچستان دارند.

کلیدواژگان: موانع، توسعه اشتغال، استان سیستان و بلوچستان، تحلیل سلسله مراتبی.

تامین اشتغال، به ویژه برای جوانان همواره یکی از دغدغه‌های جامعه و سیاستگذاران اقتصادی کشور بوده است. در حال حاضر، با توجه به رشد جمعیت در دهه‌های قبل و عدم جذب کافی نیروی کار در گذشته و نیز ترکیب نیروی کار که بخش بزرگی از آن را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، اشتغال به یک چالش مهم برای دولت تبدیل شده است. بطور طبیعی انتظار بر این است که با افزایش رشد اقتصادی نیاز بیشتر به نیروی کار و در نهایت میزان استخدام نیروی کار جدید نیز افزایش یابد. با این حال اگر رشد اقتصادی مداوم نباشد، به جای افزایش تعداد نیروی کار شاغل، بنگاهها معمولاً با افزایش ساعات اشتغال نیروی کار موجود، کمبود نیروی کار را جبران می‌کنند. از این رو است که تنها در صورتی اشتغال افزایش می‌یابد که رشد اقتصادی تداوم داشته باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵: ۳).

اهمیت اشتغال جمعیت فعال در توسعه جوامع زمانی موثر خواهد بود که کلیه افراد واقع در این طبقه، مشغول به فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی بوده و شاغل باشند؛ زیرا از نظر بسیاری از محققین، مهم‌ترین شرط برای رشد و توسعه هر جامعه‌ای، ایجاد اشتغال برای افراد آن جامعه است (Celik and Tatar, 2011: 1211). عدم توجه به اشتغال، به ویژه در جوامع در حال توسعه، دوره گذار و رسیدن به شکوفایی در آن جوامع را به یک دوره فرسایشی بدل می‌نماید و دامنه فقر را در جامعه گسترش می‌دهد. از طرف دیگر، ایجاد فضای کسب و کار عمومی و اشتغال در بخش‌های مختلف صنعت، تجارت و خدمات، شرایط را برای تحقق توسعه پایدار فراهم می‌آورد (تقدسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

واقعیت موجود در کشور ما نشان دهنده این است که در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های زیادی در زمینه شاخص‌های توسعه، به ویژه در ارتباط با موضوع اشتغال وجود دارد. شکاف و نابرابری موجود تا حدود زیادی به دلیل عدم شناخت امکانات و استعدادهای مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی، عدم برنامه‌ریزی صحیح در مکان‌های جغرافیایی (قادرمزی، ۱۳۹۴: ۱۱۰)، عوامل ساختاری، زیرساختی و ویژگی‌های خاص فرهنگی و اجتماعی است. برای افزایش میزان اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، قبل از هر چیز بایستی عواملی و موانع توسعه اشتغال شناسایی شوند. با شناسایی این عوامل، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطح ملی و منطقه‌ای بهتر قادر خواهند بود جهت رفع این معضل به شکل صحیح‌تری برنامه‌ریزی نمایند.

استان سیستان و بلوچستان با جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و ۷۷۷ هزار نفر، ۳/۵ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود. و به رغم ظرفیتهای سرزمینی، طبیعی و فرهنگی فراوان، از محرومترین استانهای کشور به شمار میرود. ناامنی در طول مرزهای این استان، نرخ بالای زاد و ولد، شکاف‌های قبیله‌ای، قومیتی و مذهبی، خشکسالی و مدیریت نامناسب آب، عدم انباشت سرمایه و قاچاق از جمله مهمترین عوامل محرومیت و بیکاری در استان هستند که در قالب شاخصهای ضعیف توسعه‌ی استانی و مهاجرت گسترده از استان نمایان میگردد. عدم مواجهه توسعه‌ای مناسب و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در رابطه با این مسائل طی سالیان گذشته، باعث هم‌افزایی این عوامل شده و موجب بیکاری مزمن و فقر بین‌نسلی و در نتیجه ناامیدی در استان شده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵: ۴). هدف کلی این پژوهش شناسایی، رتبه‌بندی و مشخص نمودن مهمترین موانع توسعه اشتغال در استان

پهناور سیستان و بلوچستان است. این پژوهش به دنبال این است تا بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد:

- (۱) موانع (معیارهای) موثر بر اشتغال استان کدامند و ترتیب اولویت و وزن مربوط به آنها چه میزان است؟
- (۲) زیر عوامل (زیر معیارهای) موثر بر اشتغال استان کدامند و ترتیب اولویت آنها به چه صورت است؟
- (۳) چالش های عمده اشتغال استان کدامند؟

مبانی نظری

از آنجائیکه فرآیند توسعه، وابستگی مستقیم به منابع اقتصادی دارد، پس عدم بهره گیری بهینه و مطلوب از منابع انسانی به عدم استفاده از امکانات مادی و فیزیکی جامعه منجر می شود، در نتیجه رشد و توسعه ی اقتصادی تحقق نمی یابد و به دنبال آن، بیکاری و در نهایت فقر و محرومیت در جامعه گسترش می یابد. بیکاری معلول یک عامل یا متغیر نیست، بلکه علل و عوامل متعددی در پیدایش آن دخیلند. از ناسازگاری انتظارات و توقعات شغلی جویندگان کار با ساختارهای درآمدی گرفته تا فرصت های شغلی قابل عرضه در بازار کار و عدم تطابق بین فناوری، قابلیت ها و توانایی های نیروی کار، همگی حدود متفاوتی از بیکاری را به وجود می آورند. بنابراین، می توان گفت که بیکاری از جمله مقوله های اساسی اقتصاد جهانی است به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری یکی از شاخص های مهم توسعه یافتگی تلقی می شود (رستمی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵: ۷۴).

وضعیت اشتغال و شاخص بیکاری یکی از شاخص های بسیار مهم اقتصادی - اجتماعی هر جامعه ای است. اساساً جایگاه این شاخص بیانگر سالم یا بیمار بودن اقتصاد جامعه است (رضایی، ۱۳۸۳: ۴۷۶). بسیاری از کشورها با این پدیده مواجه هستند و بیکاری یکی از موضوعاتی است که در علم اقتصاد نیز به صورت ویژه به آن پرداخته می شود. اکثر مکاتب اقتصادی به مقوله بیکاری و اشتغال می پردازند که از جمله مهم ترین آنها می توان به بیکاری در تئوری اقتصاد کلاسیک، بیکاری در تئوری تقاضای موثر و بیکاری در تئوری چرخه های تجاری حقیقی اشاره نمود (عبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶). ماهیت چند رشته ای بحث اشتغال و بیکاری در زمینه هایی مانند حقوق، عدالت کیفری، روانشناسی سازمانی، جامعه شناسی، اقتصاد، بهداشت عمومی، توانبخشی حرفه ای و منابع انسانی، نشان دهنده تنوع موانع اشتغال و بیکاری است (Hall et al, 2017: 244).

بیکاری و تبعات آن، یکی از معضلات اساسی کشورها است (صیدایی، ۱۳۹۰: ۲۱۸). امروزه، بیکاری بیش از پیش به منزله ی مهم ترین نشانه ی توسعه ناکافی در کشورهای جهان سوم مشاهده می شود. در بسیاری از کشورها بیکاری آشکار دامن گیر بخش وسیعی از نیروی کار است (تقی بیگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۴). بررسی و مطالعه نیروی کار به ویژه از لحاظ اشتغال و بیکاری را باید نه تنها در سطح کلان و ملی بلکه در سطح منطقه ای و استانی نیز به انجام رساند. زیرا ممکن است این پدیده ها در مناطق جغرافیایی مختلف از عوامل متفاوت و جداگانه تبعیت کنند که در مواردی جدا از عوامل اصلی دخیل در سطح ملی باشند (رضایی، ۱۳۸۳: ۴۷۲). بیکاری در سطح کلی در کشور ما معلول کارکرد متغیرهای اقتصادی و اثرگذاری آنها بر روی تقاضای نیروی کار و در طرف عرضه، تابع ساختار و نرخ رشد جمعیت و در عرصه عوامل محیطی موثر بر رشد جمعیت، افزایش نرخ مشارکت، سطح فناوری تولید، میزان دستمزدها و پدیده چند شغلی بودن از عوامل مهم تاثیرگذار محسوب می شوند. در طرف تقاضا هم رشد بخش های مختلف اقتصادی، سطح سرمایه گذاری، رشد اندک بهره وری عوامل و سطح دستمزدها، و در عرصه محیطی، قانون و مقررات بازار کار و کارکرد نهادهای موجود نظیر مراکز کارآیابی موثرند (باصری و جهانگرد، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

واقعیت‌های موجود در مناطق مختلف کشور نشان‌دهنده نابرابری‌های فراوانی در امر اشتغال است. این پدیده به دلیل عدم شناخت امکانات و استعداد‌های مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به وجود آمده است. اشتغال و میزان آن همچون هر متغیر اساسی و اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرند که می‌توان به میزان تولید، میزان سرمایه‌گذاری، سطح دستمزدها، سطح قیمت‌ها، سیاست‌های دولت، و .. اشاره نمود که با تغییر هر متغیر میزان اشتغال بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد (غفاری فرد و خوش‌سیما، ۱۳۹۵: ۸). کشور ما به واسطه پهنه‌ای وسیع و شرایط ناهمگون اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی تاکنون نتوانسته است در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلان توسعه، در نواحی مختلف و در سطح محلی مانند سطح ملی توفیق داشته باشد. عدم توجه به برخی از سطوح محلی در برنامه‌ریزی‌ها و نادیده گرفتن قابلیت‌های این مناطق باعث شده تا شکاف و عدم تعادل میان سطح ملی و مناطق توسعه نیافته افزایش یابد. این مسئله افزایش نرخ بیکاری در برخی از سطوح محلی و افزایش روند مهاجرت به شهرهای بزرگ را در پی داشته است (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

پیشینه تحقیق

متأسفانه در زمینه شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه اشتغال در مناطق مختلف کشور پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است که این امر نشان‌دهنده فقر انجام کارهای پژوهشی در این زمینه مهم است. در این بخش به تعدادی از مطالعات صورت گرفته اشاره می‌گردد. ملتفت و حزب‌بوی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان "بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان استان خوزستان" به بررسی موانع اشتغال در این استان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این موضوع است که بین میزان تحصیلات پاسخگویان و موانع اشتغال رابطه معناداری وجود دارد و هر چه میزان تحصیلات افزایش می‌یابد موانع بیکاری کاهش می‌یابد. نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهد که می‌توان موانع اشتغال را به سه دسته فردی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم نمود. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که تفاوت بین زنان و مردان در زمینه اشتغال معنادار بوده و در بین زنان موانع اشتغال بیشتر است. بیکاری جوانان پیامدهایی از جمله پایین بودن احساس ارزشمندی در جامعه، پایین بودن مشارکت اجتماعی - سیاسی، تمایل به مهاجرت خارج از کشور، پایین بودن احساس تعلق به جامعه و ... داشته است.

احسانی فر و همکاران در سال ۱۳۹۵: در پژوهشی به بررسی موانع توسعه کارآفرینی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که موانع توسعه کارآفرینی شامل موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی، موانع پشتیبانی و حمایتی، موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی و موانع زیرساختی است.

رستمی و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۵) به بررسی پدیده بیکاری از نگاه بیکاران روستایی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بیکاری پیامدهای ناگوار برای فرد، خانواده و جامعه دارد و در صورت عدم مقابله با آن، فرهنگ فقر در زندگی بیکاران به وجود آمده و تثبیت می‌شود.

تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی موانع توسعه مشاغل خانگی و اشتغال پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش مشخص نموده است که از دید زنان به ترتیب موانع شخصیتی، فردی، اقتصادی، خانوادگی و دولتی و از دید کارشناسان، به ترتیب موانع خانوادگی، فردی، شخصیتی، دولتی، و اقتصادی مهمترین موانع اشتغال خانگی هستند. ملک‌پور و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی در خصوص بررسی زمینه‌ها و موانع اشتغال به این نتیجه

گیری رسیدند که مهمترین موانع توسعه اشتغال در شهرستان بیجار، عدم سرمایه گذاری دولت در امور زیربنایی و عدم تناسب رشته های دانشگاهی با بازار کار است.

هرندی و فلاح محسن خانی در سال ۱۳۸۶ به بررسی اشتغال جوانان و چالش های آن پرداخته اند. نتایج این پژوهش گویای این موضوع است که عمده موانع اشتغال جوانان عبارتند از: عدم تعامل بین موسسات آموزشی و بازار کار، نبود فرصت های شغلی کافی و نابرابری فرصت های شغلی بین زنان و مردان، ضعف برنامه های حمایتی از خود اشتغالی، کم رنگ بودن نقش موسسات کارایی و سازمان یافته بودن بازار کار کشور. رضایی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان " جوانان و اشتغال، مطالعه موردی بیکاری و علل و پیامدهای آن در استان کردستان" به بررسی علل و پیامدهای بیکاری در استان کردستان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در این استان، تغییر نگرش سرمایه داران داخل استان نسبت به سرمایه گذاری بلندمدت اشتغال را از یک سو و اتخاذ سیاست های باز از جانب دولت نسبت به سرمایه گذاری و ایجاد فرصت های برابر و کاهش کنترل رسمی از سوی دیگر می تواند به کاهش بیکاری و نهایتاً توسعه درون زا استان منجر گردد.

محمد و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی در ارتباط با موانع توسعه کارآفرینی در کشور پاکستان به این نتیجه گیری رسیدند که علاوه بر سطح تحصیلات و نبود امکانات و زیرساخت های مورد نیاز، مذهب و نیروهای اقتصادی- اجتماعی تاثیر زیادی بر سرمایه اجتماعی و فرهنگی آن کشور دارند و توضیح دهنده سطح پایین کارآفرینی در این کشور هستند.

کپور (۲۰۱۵) در مقاله ای به بررسی موانع ایجاد شغل در بخش تولید کشور هند پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که؛ مقررات محدود کننده و موانع زیربنایی از عمده مشکلات توسعه اشتغال در بخش تولید این کشور هستند. هرمانا و جئورجسکو (۲۰۱۲) در مطالعه ای به ارائه راهکارهایی برای توسعه اشتغال در کشور رومانی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد آموزش و مهارت آموزی مهم ترین استراتژی توسعه اشتغال در این کشور است. گیاکومین و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود در زمینه انگیزه ها و موانع کارآفرینی به این نتیجه گیری رسیدند که تفاوت های فرهنگی در زمینه برنامه های توسعه کارآفرینی و اشتغال باید مورد توجه قرار گیرد.

بررسی مبانی نظری و ادبیات تحقیق نشان دهنده آن است که موانع اشتغال در هر جامعه ای بنا به شرایط و موقعیت آن متعدد است که از مهمترین آنها می توان به موانع اقتصادی که در برگیرنده مشکلات و ساختار اقتصادی، موانع مدیریتی و اجرایی و نحوه برنامه ریزی و عملکرد دولت، مشکلات و موانع اجتماعی- فرهنگی، مشکلات بازار کار، عدم شناسایی و بهره گیری از پتانسیل های منطقه ای، سرمایه گذاری ضعیف دولتی، ضعف و عدم مشارکت فعال بخش خصوصی، نبود سیاست های حمایتی و ... اشاره نمود.

قلمرو جغرافیایی تحقیق

این پژوهش از لحاظ جغرافیایی، محدوده استان سیستان و بلوچستان را در بر می گیرد. موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان در نقشه، از نظر عرض جغرافیایی از ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا را به خود اختصاص داده و به لحاظ طول جغرافیایی بین ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار مبدأ قرار گرفته است. این استان به عنوان پهناورترین استان در ناحیه جنوب

شرق کشور واقع شده است. این استان ۱۲۱۰ کیلومتر مرز خاکی با دو کشور پاکستان و افغانستان و ۳۷۰ کیلومتر مرز آبی دارد و از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان و از غرب به استانهای هرمزگان و کرمان محدود شده است.



شکل ۱: موقعیت منطقه مورد مطالعه، ماخذ: استانداری سیستان و بلوچستان

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت این استان برابر با ۲۷۷۵۰۱۴ نفر بوده که ۵۰/۵ درصد از جمعیت آن مرد و ۴۹/۵ درصد آن را زنان تشکیل می دهند. در سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۷۰۴۸۸۸ خانوار در استان وجود داشته که از این تعداد حدود ۴۷/۴ درصد در نقاط شهری و ۵۲/۶ درصد در نقاط روستایی سکونت داشتند. در این سال نرخ بیکاری در جمعیت ۲۴-۱۵ ساله معادل ۳۱/۸ درصد بوده است. توزیع نسبی شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در سه بخش عمده فعالیت های اقتصادی عبارت است از ۱۸/۲ درصد در بخش کشاورزی، ۲۹/۲ درصد در بخش صنعت و ۵۲/۶ درصد در بخش خدمات. در سال ۱۳۹۴ بیشترین سهم ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی مربوط به بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری بوده است. در این سال، ۱۲۲ کارگاه صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر با ۵۱۰۴ نفر کارکن در سطح استان وجود داشته که از این تعداد ۸۳/۶ درصد را کارگاه های دارای ۴۹-۱۰ نفر کارکن، ۹/۰۱ درصد را کارگاه های دارای ۹۹-۵۰ نفر کارکن و ۷/۳ درصد را کارگاه های دارای ۱۰۰ نفر و بیشتر تشکیل داده اند. در سال ۱۳۹۵ براساس نتایج طرح

آمارگیری از نیروی کار ۳۱/۱ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در استان از نظر اقتصادی فعال بوده که پایین ترین نرخ در بین استان های کشور بوده است (سالنامه آماری استان، ۱۳۹۵).

براساس مطالعات، اشتغال غیررسمی در استان سیستان و بلوچستان ۶۴ درصد است که ۱۸ درصد در بخش رسمی و ۴۶ درصد در بنگاههای غیررسمی است. اساس فعالیتهای تولیدی استان به شدت تحت تاثیر رشد اقتصاد غیررسمی و تجارت زیرزمینی و واردات قاچاق کالا از کشورهای همجوار قرار گرفته، به گونه ای که فعالیتهای بخش تولیدی را کم صرفه ساخته، زمینه ی اشتغال غیر قانونی را فراهم نموده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵: ۶).

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. جهت جمع آوری داده ها در این تحقیق، از دو روش کتابخانه ای و میدانی استفاده شده است. ابتدا محقق با استفاده از مصاحبه به شناسایی موانع پرداخته و سپس با توجه به نتایج مصاحبه اقدام به تهیه پرسشنامه خبره نمود (پرسشنامه مورد استفاده برای تحلیل های سلسله مراتبی و تصمیم گیری چند معیاره به پرسشنامه خبره موسوم است. برای تهیه پرسشنامه خبره از مقایسه زوجی گزینه ها استفاده می شود. برای هر سطح از سلسله مراتب یک پرسشنامه خبره تهیه می شود. برای امتیاز دهی از مقیاس نه درجه ساعتی استفاده می شود). بدین منظور ابتدا از مصاحبه برای شناسایی عوامل استفاده شد. سپس با مراجعه به تحقیقات پیشین و ادبیات موضوع و همچنین نظر متخصصین و با توجه شرایط منطقه، موانع شناسایی شده در ۵ گروه آموزشی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، اجرایی-مدیریتی و زیرساختی- ساختاری دسته بندی شدند. پس از آن پرسشنامه ای تهیه شده و روایی آن به تایید متخصصان امر رسید. همچنین برای اولویت بندی موانع از نرم افزار Expert Choice استفاده گردید.

ابزار پژوهش

با جستجو در مقالات و کتابهای معتبر علمی و مصاحبه با اساتید و صاحب نظران بحث اشتغال، به جمع آوری اطلاعات و تشکیل ساختار مناسب از موانع توسعه اشتغال با توجه به شرایط استان پرداخته شد که براساس آنها درخت سلسله مراتبی (شکل ۲) ترسیم شد. سپس باتوجه به درخت ترسیم شده و به صورت مقایسه ی زوجی موانع (معیارها)، پرسشنامه ای طراحی شد که شامل ۱۱۰ مقایسه (به منظور مقایسه معیارها و زیرمعیارها) بود. باتوجه به اینکه موانع پرسشنامه توسط کارشناسان آگاه تعیین و تأیید شدند، پرسشنامه به لحاظ محتوا از روایی قابل قبولی برخوردار است. روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) براساس نظر خبرگان است. خبره در هر جامعه آماری یعنی مدیران ارشد، مدیران عامل، روسا و متخصصانی که چندین سال در زمینه مورد نظر تجربه کافی دارند. جامعه ی آماری این پژوهش افراد خبره ای بودند که لااقل یکی از ویژگیهای زیر را دارا بودند: اعضای هیأت علمی دانشگاه؛ کارشناسان ارشد حوزه اشتغال اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان؛ فعالین اقتصادی استان. از اینرو ۲۵ نفر از این خبرگان شناسایی و پرسشنامه ی طراحی شده به صورت حضوری در اختیار آنها قرار گرفت.

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) یکی از معروفترین فنون تصمیم گیری چند منظوره است که اولین بار توسط توماس. ال. ساعتی عراقی الاصل در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید. این روش در هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند

گزینه رقیب و معیار تصمیم‌گیری روبرو است می‌تواند استفاده گردد. معیارهای مطرح شده می‌توانند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم‌گیری بر مقایسات زوجی نهفته است. تصمیم‌گیرنده با فراهم آوردن درخت سلسله مراتب تصمیم، آغاز می‌کند. درخت سلسله مراتب تصمیم، عوامل مورد مقایسه و گزینه‌های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می‌دهد. سپس یک سری مقایسات زوجی انجام می‌گیرد. این مقایسات وزن هر یک از فاکتورها را در راستای گزینه‌های رقیب مشخص می‌سازد. در نهایت منطق AHP به گونه‌ای ماتریس‌های حاصل از مقایسات زوجی را با همدیگر تلفیق می‌سازد که تصمیم‌بینه حاصل آید. در فرایند تحلیل سلسله مراتبی پس از اینکه معیارهای اصلی و فرعی مشخص شدند و درخت سلسله مراتب تصمیم‌گیری ترسیم شد، بین شاخص‌ها مقایسات زوجی انجام و در مرحله بعد برای هر شاخص بین گزینه‌ها، مقایسه زوجی انجام می‌گیرد. سپس از الگوریتم زیر پیروی می‌شود:

(الف) به‌هنگار کردن ماتریس مقایسات زوجی

(ب) به دست آوردن میانگین حسابی هر سطر ماتریس به‌هنگار شده‌ی مقایسات زوجی (که به آن وزن نسبی گفته می‌شود)

(ج) ضرب وزن‌های نسبی شاخص‌ها در میانگین حسابی گزینه‌ها

(د) محاسبه نرخ‌نا سازگاری و در صورتی که نرخ سازگاری کمتر از ۰.۱ باشد، ماتریس سازگار است و می‌توان به نتایج وزن‌ها اعتماد نمود. در غیر اینصورت DM یا تصمیم‌گیرنده باید در مقایسات زوجی تجدید نظر نماید. اولین قدم در فرایند تحلیل سلسله مراتبی، ایجاد یک نمایش گرافیکی می‌باشد. که در آن هدف، معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها نشان داده می‌شود (شکل ۲). در این پژوهش پس از گردآوری داده‌ها و شناسایی موانع، درخت سلسله مراتبی به صورت شکل ۲ ترسیم گردید.

(O): **هدف نهایی** (اولویت بندی موانع توسعه اشتغال در استان سیستان و بلوچستان)

(A): **معیار** (موانع آموزشی). **زیر معیار (A1):** ناتوانی سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای استان در مهارت‌آموزی افراد. **A2:** نبود مراکز مشاوره و کارآفرینی مجرب در استان. **A3:** عدم تعامل بین موسسات آموزش عالی و بازار کار استان و متناسب نبودن آموزش آنها با نیاز بازار کار استان.

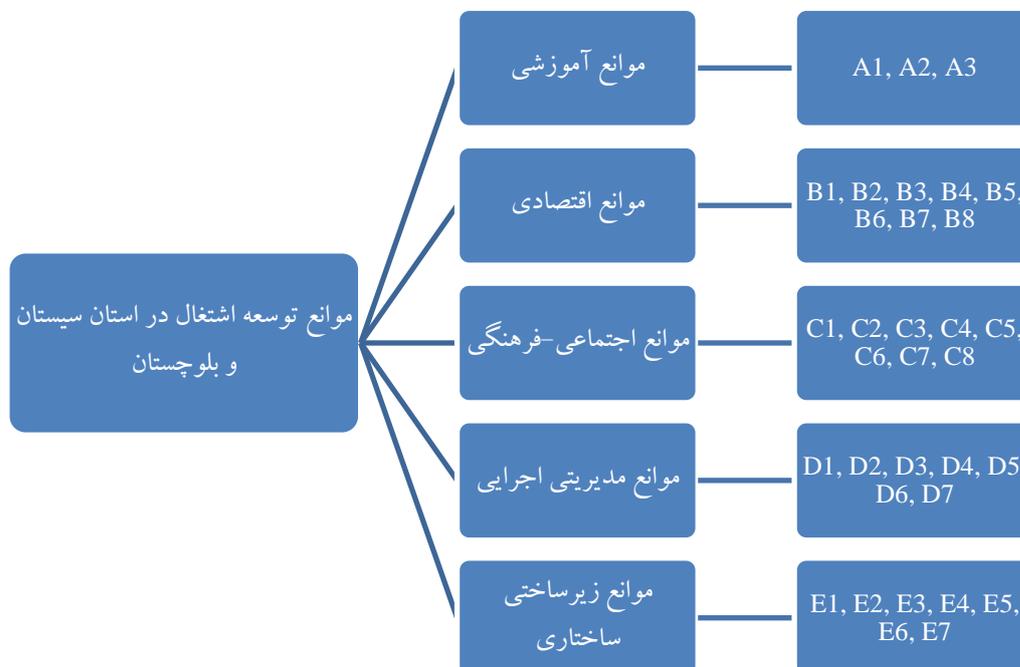
(B): **معیار** (موانع اقتصادی). **زیرمعیار (B1):** نبود صنایع کاربر در سطح استان. **B2:** دسترسی دشوار به تسهیلات بانکی در استان و بالا بودن نرخ این تسهیلات. **B3:** سرمایه‌گذاری ضعیف بخش خصوصی استان و تمایل نداشتن این بخش جهت سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی همچون صنعت و معدن، کشاورزی و **B4:** نبود و کمبود سرمایه‌گذاری‌های مولد و زیربنایی دولت در استان (نبود کارخانجات صنعتی و معدنی بزرگ در استان). **B5:** عدم استفاده از قابلیت‌های بخش گردشگری و صنایع دستی استان در ایجاد اشتغال. **B6:** ضعف بخش کشاورزی استان و نبود صنایع تبدیلی کشاورزی در استان. **B7:** پایین بودن درآمد سرانه و وجود فقر گسترده در استان و ناتوانی مردم در راه‌اندازی فعالیت‌های خود اشتغالی. **B8:** عدم استفاده از موقعیت استراتژیک و مزیت‌های استان در بخش ترانزیت و تجارت).

(C): **معیار** (موانع اجتماعی-فرهنگی). **زیرمعیار (C1):** پایین بودن فرهنگ کار در استان. **C2:** فراگیر نشدن فرهنگ کارآفرینی در استان. **C3:** راحت‌طلبی و نبود فرهنگ انجام کار سخت در بین جوانان منطقه. **C4:** نرخ بالای

بیسوادی و کم سوادی در استان. C5: عدم گرایش غالب مردم استان بسمت استفاده از تسهیلات بانکی جهت سرمایه گذاری بدلیل باورهای مذهبی (حرام دانستن سود بانکی). C6: وجود توقعات و انتظارات غیر اصولی در بین جوانان و کارجویان در خصوص اشتغال. C7: عدم گرایش و تمایل مردم استان به فعالیت های خوداشتغالی (مشاغل خانگی). C8: پایین بودن سطح آگاهی مردم بخصوص روستائیان منطقه نسبت به فعالیت های تولیدی غیر سنتی).

(D) معیار (موانع اجرایی - مدیریتی). زیرمعیار (D1): حمایت اندک از کارآفرینان. D2: وجود اتباع بیگانه در استان و استفاده از فرصت های شغلی موجود. D3: عدم آگاهی فراگیر و موثر سرمایه گذاران و ناهماهنگی در هدایت و راهنمایی های ارائه شده از سوی ارگان های دولت بدلیل در اختیار نداشتن استراتژی های کلان ملی و منطقه ای در بخش های مختلف استان. D4: عدم استفاده از پتانسیل مرز در بحث ایجاد اشتغال پایدار. D5: عدم توجه دولت به سیاست های اشتغال زایی پایدار در استان. D6: کم رنگ بودن نقش موسسات کاریابی در استان. D7: پیچیدگی قوانین و مقررات کارآفرینی و خوداشتغالی).

(E) معیار (عوامل زیرساختی و ساختاری). زیر معیار (E1): ضعف شدید در زیر ساخت های اقتصادی استان. E2: رشد بالای جمعیت استان. E3: دور افتادگی و در حاشیه بودن استان. E4: نبود مطالعات آمایش کالبدی سرزمین به منظور شناسایی پتانسیل ها و ظرفیت های مناطق مختلف استان. E5: کافی نبودن اطلاعات از وضعیت اقتصادی کشورهای همسایه به منظور سرمایه گذاری در خصوص تهیه و تولید کالاهای مورد نظر آنها. E6: عدم شکل گیری و رونق خوشه های صنعتی و کشاورزی در استان. E7: بازده ناچیز فعالیت های تولیدی در مقایسه با فعالیت های غیر رسمی و پر رونق بودن قاچاق در استان).



شکل ۲ - نمایش درخت تحلیل سلسله مراتبی با هدف اولویت بندی موانع توسعه اشتغال استان سیستان و

بلوچستان

در این بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی انجام شده است. برای جمع بندی نظرات کارشناسی درباره‌ی حوزه‌ها و مؤلفه‌های پژوهش، پرسشنامه‌ای که با رویکرد مقایسه‌ی زوجی فراهم شده بود، در اختیار کارشناسان خبره قرار داده شد و از آنها خواسته شد تا نظرات خود را درباره‌ی هر حوزه و مؤلفه بر مبنای ترجیح هر حوزه یا مؤلفه بر حوزه یا مؤلفه دیگر مشخص کنند. در این ارتباط از مقادیر ترجیحات ساعتی ۱ تا ۹ استفاده شده است.

نتایج بررسی ویژگی‌های کارشناسان خبره مورد استفاده در این پژوهش در جدول ۱ نشان می‌دهد که با توجه به اشراف بیشتر کارشناسان و مدیران حوزه‌ی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان به مسائل و مشکلات بخش اشتغال، ۱۷ نفر از خبرگان پژوهش با عنایت به پست مدیریتی و جایگاه اداری آنها از این اداره‌ی کل انتخاب شدند. اطلاعات این جدول نیز نشان می‌دهد، اکثریت پاسخ دهندگان دارای مدرک فوق لیسانس و دکتری با سابقه کاری بین ۷ تا ۱۰ سال هستند.

جدول ۱. ویژگی‌های شخصی کارشناسان پژوهش

تعداد	میانگین سابقه شغلی	وضعیت تحصیلی	رشته تحصیلی	نهاد
۴	۷	دکتری، فوق لیسانس	اقتصاد، کشاورزی، جغرافیا	دانشگاه
۱۷	۱۰	دانشجوی دکتری، فوق لیسانس، لیسانس	اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت، صنایع	اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان
۴	۸	فوق لیسانس، لیسانس، دیپلم	جغرافیا، کامپیوتر، مدیریت	فعالین بازار

تعیین ساختار سلسله مراتبی مسئله بررسی شده

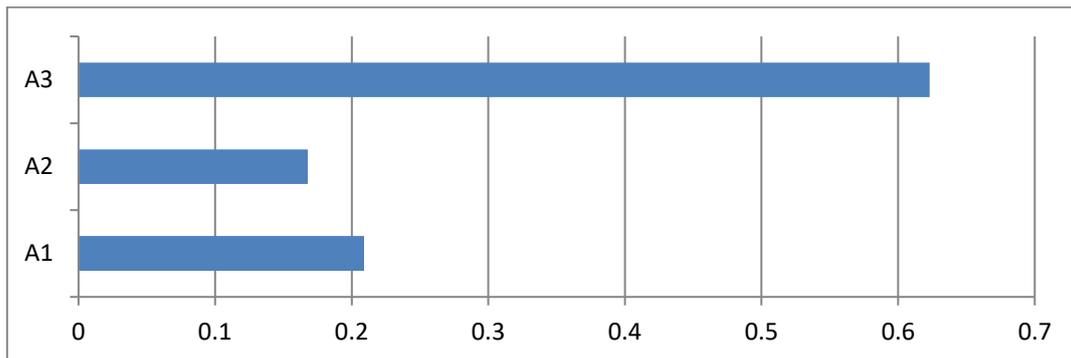
هدف از انجام این پژوهش، شناسایی و رتبه بندی موانع توسعه اشتغال در استان سیستان و بلوچستان بوده است. اولین قدم در تحلیل مسائل به روش فرایند سلسله مراتبی، ایجاد ساختار سلسله مراتبی از موضوع است که در آن اهداف، معیارها، گزینه‌ها و ارتباط بین آنها نشان داده شود. در این پژوهش معیارهای مسئله؛ موانع آموزشی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، اجرایی-مدیریتی و زیرساختی و ساختاری بوده اند که ساختار سلسله مراتبی آنها در تصویر شکل ۲ آمده است.

تعیین ضریب اهمیت زیرمعیارها نسبت به معیار

برای تعیین ضریب اهمیت زیرمعیارها نسبت به معیار، باید وزن و اهمیت هر یک از زیرمعیارهای مسئله نیز نسبت به معیارهای اصلی مشخص شود. برای این منظور، زیرمعیارهای هر کدام از معیارهای اصلی به صورت دو به دو با یکدیگر مقایسه شدند و پس از نرمال سازی ماتریس مقایسه‌ی زوجی، ضریب اهمیت هر کدام از آنها مشخص شد.

تعیین اولویت زیر معیارهای موانع آموزشی

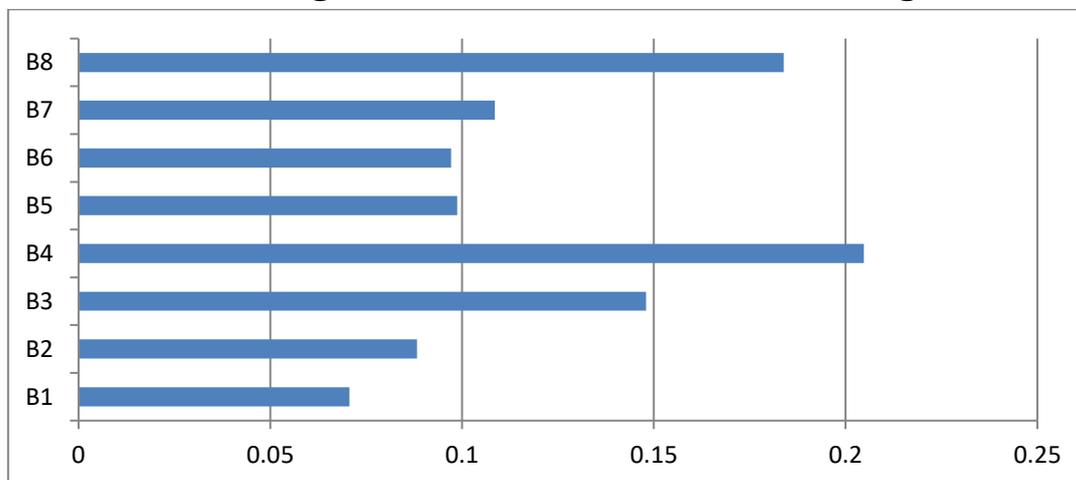
جهت تعیین اولویت موانع فوق ابتدا جدول‌های مقایسه‌ی فردی حاصل از پاسخنامه‌ها را تهیه و بعد از آن با استفاده از میانگین هندسی، ماتریس مقایسه‌ی گروهی را بدست آورده و در نهایت با استفاده از وزن‌های بدست آمده اولویت بندی موانع صورت می‌گیرد. شکل ۳ شماره نشان دهنده اولویت بندی موانع آموزشی است.



شکل شماره ۳ نشان دهنده وزن زیر معیارها با توجه به معیار موانع آموزشی است. بر اساس نتایج به دست آمده از مدل AHP، طبق شکل بالا از میان چهار مولفه، A1: ناتوانی سیستم آموزش فنی و حرفه ای استان در مهارت آموزی افراد. A2: نبود مراکز مشاوره و کارآفرینی مجرب در استان. A3: عدم تعامل بین موسسات آموزش عالی و بازار کار استان و متناسب نبودن آموزش آنها با نیاز بازار کار استان، عدم تعامل بین موسسات آموزش عالی و بازار کار و متناسب نبودن آموزش آنها با نیاز بازار کار استان با وزن ۰/۶۲ بیشترین ضریب اهمیت و نبود مراکز مشاوره و کارآفرینی مجرب در استان با وزن ۰/۱۷ کمترین ضریب اهمیت را دارند. همچنین نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی زیر معیارهای عوامل آموزشی نسبت به یکدیگر ۰/۰۲ به دست آمد که از ۰/۱ کمتر است. بنابراین سازگاری ماتریس مقایسه زوجی قابل قبول بوده و نیازی به تجدید نظر نمی باشد.

تعیین اولویت زیرمعیارهای های موانع اقتصادی

شکل ۴ نشان دهنده نتایج مقایسه زوجی زیر معیارهای پژوهش در ارتباط با موانع اقتصادی است.

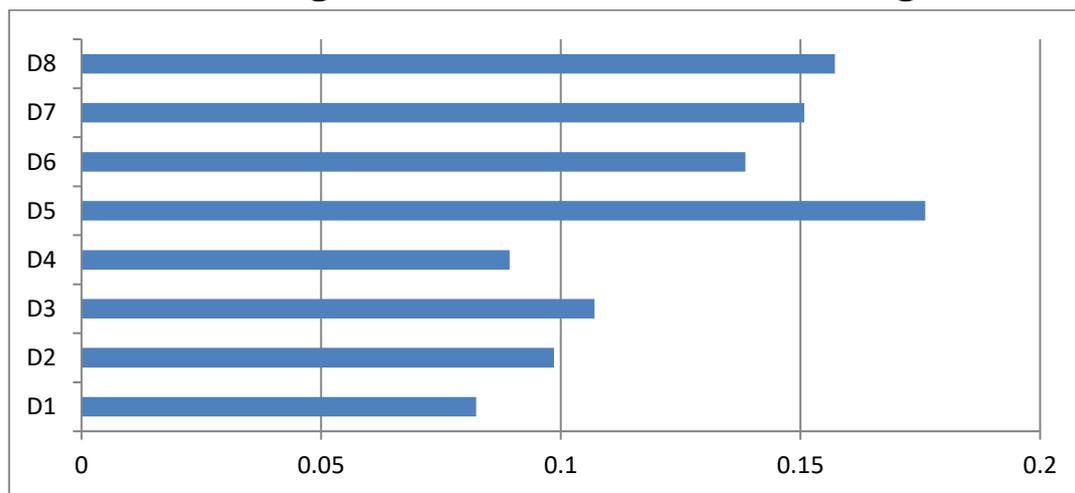


بر اساس نتایج بدست آمده از مدل، از میان ۸ مولفه در زیر مجموعه موانع اقتصادی که عبارتند از: (B1: نبود صنایع کاربر در سطح استان. B2: دسترسی دشوار به تسهیلات بانکی در استان و بالا بودن نرخ این تسهیلات. B3: سرمایه گذاری ضعیف بخش خصوصی استان و تمایل نداشتن این بخش جهت سرمایه گذاری در زمینه های اقتصادی همچون صنعت و معدن، کشاورزی و B4: نبود و کمبود سرمایه گذاری های مولد و زیر بنایی دولت در استان (نبود کارخانجات صنعتی و معدنی بزرگ دولتی در استان). B5: عدم استفاده از قابلیت های بخش گردشگری و صنایع دستی استان در ایجاد اشتغال. B6: ضعف بخش کشاورزی استان و نبود صنایع تبدیلی کشاورزی در استان. B7: پایین بودن درآمد سرانه و وجود فقر گسترده در استان و ناتوانی مردم در راه اندازی فعالیت های خود اشتغالی.

B8: عدم استفاده از موقعیت استراتژیک و مزیت های استان در بخش ترانزیت و تجارت)، مولفه های نبود و کمبود سرمایه گذاری های مولد و زیر بنایی دولت در استان (نبود کارخانجات صنعتی و معدنی بزرگ دولتی در استان) با وزن ۰/۲۰ و عدم استفاده از موقعیت استراتژیک و مزیت های استان در بخش ترانزیت و تجارت با وزن ۰/۱۸ بیشترین ضریب اهمیت و نبود صنایع کاربر در سطح استان با وزن ۰/۰۷ کمترین اولویت را دارند. همچنین پس از انجام محاسبات لازم نرخ ناسازگاری بدست آمده (۰/۰۳) نشانگر این است که مقایسات زوجی از سازگاری برخوردار هستند.

تعیین اولویت زیرمعیارهای موانع اجتماعی- فرهنگی

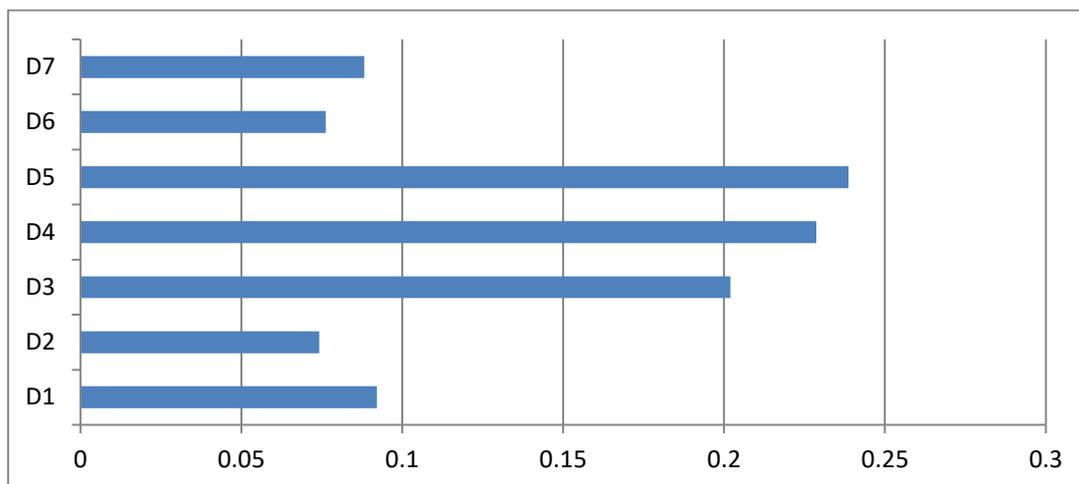
شکل ۵ نشان دهنده نتایج مقایسه زوجی زیر معیارهای پژوهش در ارتباط با موانع اجتماعی- فرهنگی است.



همانگونه که نتایج شکل (۵) نشان می دهد از میان موانع اجتماعی- فرهنگی، C1: پایین بودن فرهنگ کار در استان. C2: فراگیر نشدن فرهنگ کارآفرینی در استان. C3: راحت طلبی و نبود فرهنگ انجام کار سخت در بین جوانان منطقه. C4: نرخ بالای بیسوادی و کم سوادی در استان. C5: عدم گرایش غالب مردم استان بسمت استفاده از تسهیلات بانکی جهت سرمایه گذاری بدلیل باورهای مذهبی (حرام دانستن سود بانکی). C6: وجود توقعات و انتظارات غیر اصولی در بین جوانان و کارجویان در خصوص اشتغال. C7: عدم گرایش و تمایل مردم استان به فعالیت های خوداشتغالی (مشاغل خانگی). C8: پایین بودن سطح آگاهی مردم بخصوص روستائیان منطقه نسبت به فعالیت های تولیدی غیر سنتی، عدم گرایش غالب مردم استان بسمت استفاده از تسهیلات بانکی جهت سرمایه گذاری بدلیل باورهای مذهبی (حرام دانستن سود بانکی) با وزن ۰/۱۷ دارای بالاترین ضریب اهمیت و پایین بودن فرهنگ کار در استان با وزن ۰/۰۸ دارای کمترین ضریب اهمیت از میان موانع اجتماعی- فرهنگی بوده اند. همچنین نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر ۰/۰۱ بوده که نشان دهنده سازگاری مقبول مقایسات زوجی است.

تعیین اولویت زیر معیارهای موانع اجرایی-مدیریتی

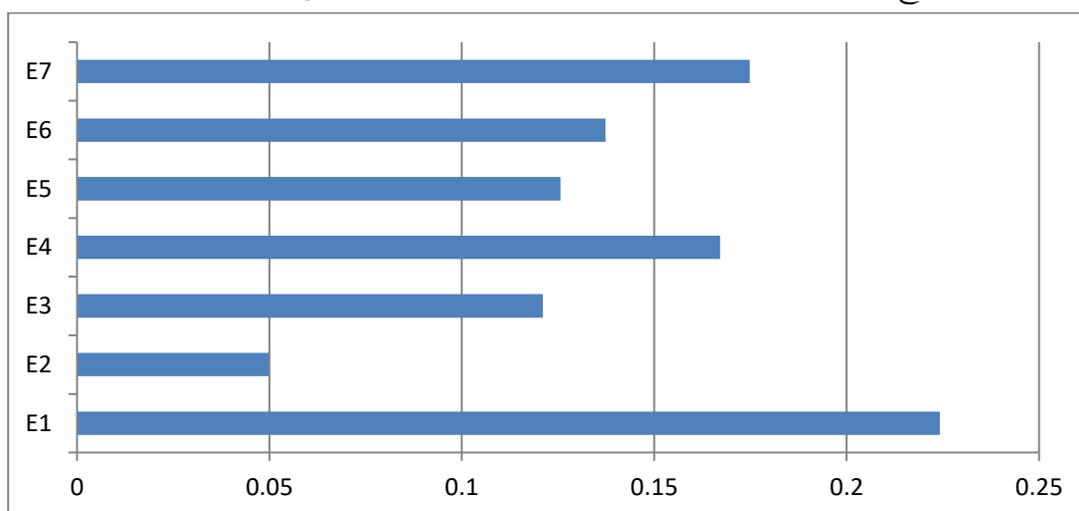
شکل ۶ نشان دهنده نتایج مقایسه زوجی زیر معیارهای پژوهش در ارتباط با موانع اجرایی-مدیریتی است.



نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مدل تحلیل سلسله مراتبی نشان می دهد که از میان موانع اجرایی- مدیریتی که عبارتند از D1: حمایت اندک از کارآفرینان. D2: وجود اتباع بیگانه در استان و استفاده از فرصت های شغلی موجود. D3: عدم آگاهی فراگیر و موثر سرمایه گذاران و ناهماهنگی در هدایت و راهنمایی های ارائه شده از سوی ارگان های دولت بدلیل در اختیار نداشتن استراتژی های کلان ملی و منطقه ای در بخش های مختلف استان. D4: عدم استفاده از پتانسیل مرز در بحث ایجاد اشتغال پایدار. C5: عدم توجه دولت به سیاست های اشتغال زایی پایدار در استان. C6: کم رنگ بودن نقش موسسات کارآفرینی در استان. C7: پیچیدگی قوانین و مقررات کارآفرینی و خوداشتغالی. براساس نظر خبرگان با توجه به شرایط استان، عدم توجه دولت به سیاست های اشتغال زایی پایدار در استان با وزن ۰/۲۳ دارای بالاترین ضریب اهمیت و وجود اتباع بیگانه در استان و استفاده از فرصت های شغلی موجود با وزن ۰/۰۷ دارای کمترین ضریب اهمیت است. همچنین نرخ ناسازگاری بدست آمده از مقایسات زوجی ۰/۰۳ است که کمتر از ۰.۱ بوده و قابل قبول است.

تعیین اولویت زیر معیارهای موانع عوامل ساختاری و زیرساختی

شکل ۷ نشان دهنده نتایج مقایسه زوجی زیر معیارهای پژوهش در ارتباط با عوامل ساختاری و زیرساختی است.



نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل زیر معیارهای ساختاری و زیرساختی نشان می دهد که از میان عوامل ساختاری و زیرساختی که عبارتند از: E1: ضعف شدید در زیر ساخت های اقتصادی استان. E2: رشد بالای جمعیت استان. E3:

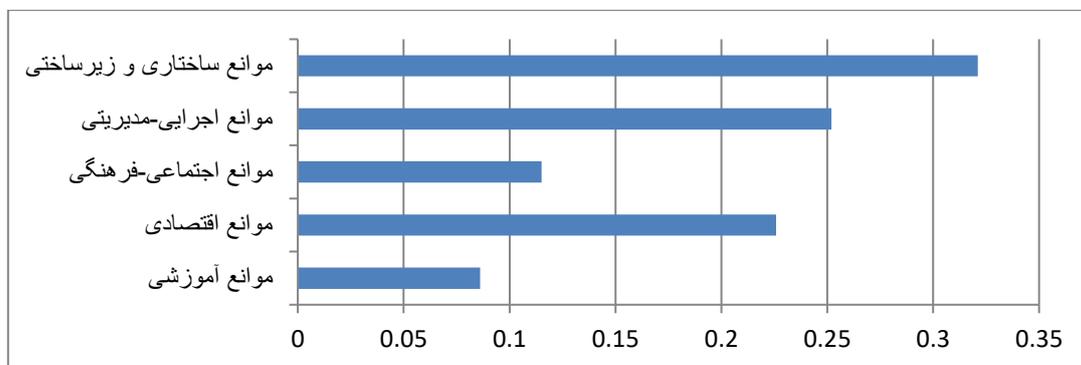
دور افتادگی و در حاشیه بودن استان. E4: نبود مطالعات آمایش کالبدی سرزمین به منظور شناسایی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مناطق مختلف استان. E5: کافی نبودن اطلاعات از وضعیت اقتصادی کشورهای همسایه به منظور سرمایه‌گذاری در خصوص تهیه و تولید کالاهای مورد نظر آنها. E6: عدم شکل‌گیری و رونق خوشه‌های صنعتی و کشاورزی در استان. E7: بازده ناچیز فعالیت‌های تولیدی در مقایسه با فعالیت‌های غیر رسمی و پر رونق بودن قاچاق در استان، ضعف شدید در زیرساخت‌های اقتصادی استان با وزن ۰/۲۲ بالاترین ضریب اولویت و رشد بالای جمعیت استان با وزن ۰/۰۴ دارای پایین‌ترین ضریب اولویت می‌باشند. همچنین نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی زیرمعیارهای عوامل زیرساختی و ساختاری نسبت به یکدیگر ۰/۰۰۹ به دست آمد که از ۰/۱ کمتر است. بنابراین سازگاری ماتریس مقایسه زوجی قابل قبول است و نیازی به تجدید نظر نمی‌باشد.

تعیین ضریب اهمیت معیارهای نسبت به هدف

پس از تعیین ضریب اهمیت هر یک از زیرمعیارها نسبت به معیارها، باید وزن و اهمیت هر یک از معیارهای مسئله نیز نسبت به هدف مشخص شود. برای تعیین ضریب اهمیت معیارها نسبت به هدف، معیارها دو به دو با یکدیگر مقایسه میشوند و درجه اهمیت هر یک از آنها نسبت به دیگری مشخص می‌شود. سپس ماتریسهای به دست آمده نرمال میشوند. برای این منظور هر یک از مؤلفه‌های ماتریس تصمیم‌گیری را بر مجموع مؤلفه‌های ستون مربوطه تقسیم میکنند که ماتریسهای نرمال به دست آید. فرمول ریاضی این مطلب به صورت زیر می‌باشد:

$$(j=1,2,\dots,m), = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}} r_{ij}$$

در این رابطه r_{ij} معرف ارزش نرمال شده گزینه شاخص i به شاخص j است. پس از نرمال سازی ماتریسهای به دست آمده، میانگین هر سطر این جدول نشان دهنده اولویت هر معیار با گزینه رقیب است.



در این پژوهش، مقایسه معیارهای اصلی مسئله نشان میدهد که از میان معیارهای تعیین شده، موانع ساختاری و زیرساختی با وزن ۰/۳۲ بیشترین امتیاز و در نتیجه بیشترین تأثیر را بعنوان مانع توسعه اشتغال در استان دارد. معیارهای موانع اجرایی-مدیریتی و اقتصادی به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند و معیار موانع آموزشی با امتیاز ۰/۰۸ در رده آخر جای دارد. براساس این نتایج، از میان معیارهای بررسی شده، معیار موانع ساختاری و زیرساختی بیشترین و معیار موانع آموزشی کمترین اهمیت را بعنوان مانع در توسعه اشتغال استان داشته‌اند. نرخ ناسازگاری مقایسه‌های زوجی معیارها نسبت به هدف ۰/۰۰۳ به دست آمد، که از ۰/۱ کمتر بوده و نشان دهنده سازگاری مناسب مؤلفه‌ها است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی و اولویت بندی موانع توسعه اشتغال در استان سیستان و بلوچستان انجام گرفته است. در خصوص سوال اول تحقیق، نتایج پژوهش نشان دهنده این موضوع است که مهم ترین موانع موثر بر اشتغال استان به ترتیب اولویت با توجه به وزن بدست آمده آنها عبارتند از: موانع ساختاری و زیرساختی، موانع اجرایی-مدیریتی، موانع اقتصادی، موانع اجتماعی-فرهنگی و موانع آموزشی. یافته های پژوهش در خصوص سوال دوم تحقیق در زمینه رتبه بندی زیر معیارهای پژوهش نشان می دهد که در زمینه موانع ساختاری و زیرساختی، مولفه ضعف شدید در زیر ساخت های اقتصادی استان و بازده ناچیز فعالیت های تولیدی در مقایسه با فعالیت های قاچاق در این استان، دارای بیشترین ضریب اهمیت هستند و پس از این موانع، نبود مطالعات آمایش کالبدی سرزمین به منظور شناسایی پتانسیل ها و ظرفیت های مناطق مختلف استان و عدم شکل گیری و رونق خوشه های صنعتی و کشاورزی در رتبه های بعدی قرار می گیرند. با نگاهی به موانع توسعه اشتغال استان در حوزه عوامل ساختاری و زیرساختی می توان دریافت، عمده مشکل این استان کافی نبودن و یا عدم سرمایه گذاری مناسب دولت در زمینه زیرساخت های اقتصادی است بگونه ای که حتی با گذشت سالیان دراز از شروع طرح توسعه محور شرق هنوز بسیاری از زیر ساخت های بنیادین و اساسی استان در حوزه های مختلف ایجاد نشده و یا بدلیل عدم توجه کافی دولت نیمه کاره رها شده و این خود عاملی برای افزایش هزینه های اقتصادی و گرایش مردم به سمت فعالیت های غیر رسمی شده است. کمبود سرمایه گذاری زیربنایی چه از طرف دولت و چه از طرف بخش خصوصی باعث کند و راکد ماندن هر چه بیشتر فرایند توسعه استان خواهد شد. یافته های پژوهش آشکار نمود، موانع ساختاری و زیرساختی بیشترین امتیاز را بعنوان مهم ترین موانع توسعه اشتغال استان کسب کردند که این یافته با پژوهش احسانی فر و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. در زمینه موانع اجرایی-مدیریتی که نشان دهنده عملکرد دولت و سازمان های دولتی است نتایج پژوهش با نتایج تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، احسانی فر و همکاران (۱۳۹۵) و کیپور (۲۰۱۵) مطابقت دارد. عدم توجه دولت به سیاست های اشتغال زایی پایدار در استان و عدم استفاده از پتانسیل مرز در بحث ایجاد اشتغال پایدار دارای بالاترین ضریب اولویت در این زمینه می باشند. نتایج این بخش نشان دهنده این موضوع است که دولت علی رغم بالا بودن نرخ بیکاری در این استان محروم هیچ برنامه ی مشخصی جهت بهبود شرایط، کاهش نرخ بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار ندارد. همچنین نتایج در این حوزه نشان دهنده عدم استفاده از پتانسیل مرز در این استان مرزی است. متأسفانه در نظر بسیاری از تصمیم گیران استانی و کشوری مرز در این استان نه به عنوان یک فرصت بلکه بیشتر بعنوان یک تهدید مطرح بوده است. این موضوع در کنار ناامن قلمداد کردن استان و وجود نگاه امنیتی در این استان مرزی مانع هرگونه سرمایه گذاری و استفاده بهینه از پتانسیل مرز جهت بهبود وضعیت اشتغال و معیشت مردم شده است. نتایج این پژوهش در خصوص موانع اقتصادی بعنوان یکی از موانع مهم و تاثیرگذار بر توسعه اشتغال تایید کننده یافته های ملتفت و حزباوی (۱۳۹۵)، احسانی فر و همکاران (۱۳۹۵)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳) و ملک پور و محمدی (۱۳۹۲) است. یافته های این پژوهش ها نیز نشان دهنده اهمیت عوامل اقتصادی در توسعه اشتغال است. از بین موانع اقتصادی مولفه نبود و کمبود سرمایه گذاری های مولد و زیر بنایی دولت در استان (نبود کارخانجات صنعتی و معدنی بزرگ دولتی در استان) و عدم استفاده از موقعیت استراتژیک و مزیت های استان در بخش ترانزیت و تجارت دارای بالاترین ضریب اولویت هستند. نتایج زیر معیارهای اقتصادی نشان دهنده کمبود سرمایه گذاری های کافی دولت در حوزه فعالیت ها صنعتی و معدنی

بزرگ در این استان محروم است. استان سیستان و بلوچستان در بسیاری از شاخص های توسعه جزو محروم ترین استان های کشور است. فقر، بیکاری، فراهم نبودن زیر ساخت های حمل و نقل ریلی و جاده ای و ضعف در زیر ساخت های اقتصادی از مهمترین ویژگی های این استان بوده و این امر باعث عدم استفاده از پتانسیل های متعدد استان گشته است. این استان با عنایت به موقعیت استراتژیک خود و دارا بودن تنها بندر اقیانوسی کشور از ویژگی ممتازی جهت رونق و شکوفایی اقتصادی برخوردار است. متأسفانه در طی سالیان گذشته از این موهبت ارزشمند استفاده صحیحی نشده است. در زمینه موانع اجتماعی- فرهنگی نیز مولفه عدم گرایش غالب مردم استان بسمت استفاده از تسهیلات بانکی جهت سرمایه گذاری بدلیل باورهای مذهبی (حرام دانستن سود بانکی) و پایین بودن سطح آگاهی مردم بخصوص روستائیان منطقه نسبت به فعالیت های تولیدی غیر سنتی دارای بیشترین ضریب اهمیت می باشند. یافته های پژوهش در زمینه تاثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی با یافته های ملتفت و حزباوی (۱۳۹۵)، احسانی فر و همکاران (۱۳۹۵) و محمد و همکاران (۲۰۱۶) همسو است. در استان سیستان و بلوچستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و رواج باورهای مذهبی خاص، بدلیل حرام دانستن سود بانکی اکثریت مردم این استان تمایل چندانی جهت اخذ تسهیلات بانکی ندارند که این موضوع در کنار رواج فقر گسترده، توان سرمایه گذاری های مولد توسط بخش خصوصی را به نحو چشمگیری کاهش داده است. از مشکلات دیگر استان پایین بودن میزان آگاهی مردم نسبت به فعالیت های اقتصادی غیر سنتی است که این امر مانع بزرگی جهت شروع فعالیت های کارآفرینی است. پایین بودن میزان آگاهی مردم منطقه بدلیل بیسوادی و کم سوادی، نبود مطالعات آمایش کالبدی سرزمین به منظور شناسایی پتانسیل ها و ظرفیت های مناطق مختلف استان و عدم راهنمایی مناسب مردم جهت سرمایه گذاری توسط دستگاههای زیربنا از جمله مشکلات اساسی جهت بهره برداری از پتانسیل های این استان است. در زمینه موانع آموزشی یافته های این پژوهش با یافته های ملک پور و محمدی (۱۳۹۲)، احسانی فر و همکاران (۱۳۹۵) و هرمانا و جنورجسکو (۲۰۱۲) مطابقت دارد. عدم تعامل بین موسسات آموزش عالی و بازار کار و متناسب نبودن آموزش آنها با نیاز بازار کار استان دارای بالاترین ضریب اهمیت در این زمینه است. نتایج بدست آمده در این بخش گویای این موضوع است که علی رغم وجود مراکز دانشگاهی متعدد در این استان محروم، این مراکز نتوانسته اند به رسالت خود که همانا آموزش و آماده سازی نیروی کار ماهر است بپردازند و این موضوع نشان دهنده عدم تناسب میان نظام آموزشی و نیاز بازار کار است. در مجموع می توان در کنار موانع ذکر شده به فعالیت اتباع بیگانه در استان (اشغال بیش از ۳۰ درصد از مشاغل استان)، خشکسالی های مداوم، افزایش جمعیت نیز اشاره نمود. براساس نتایج بدست آمده از این پژوهش برای کاهش و رفع موانع توسعه اشتغال استان پیشنهاد می گردد:

(۱) از آنجائیکه موانع ساختاری و زیرساختی مهمترین موانع توسعه اشتغال در این استان شناسایی شده اند و از بین این موانع ضعف شدید در زیر ساخت های اقتصادی استان و بازده ناچیز فعالیت های تولیدی در مقایسه با فعالیت های غیر رسمی و پر رونق بودن قاچاق کالا و سوخت، بیشترین اولویت را دارند. پیشنهاد می گردد با توجه به شرایط استان، دولت نگاه ویژه ای در زمینه ایجاد زیرساخت های اقتصادی جهت بهره برداری از پتانسیل های استان و رونق اقتصادی منطقه بمنظور کاهش قاچاق و تشویق و هدایت سرمایه گذاری داشته باشد.

(۲) یکی از معضلات اساسی استان سیستان و بلوچستان عدم استفاده از پتانسیل مرز با عنایت به وجود مرزهای گسترده زمینی و آبی است. مرزها کارکردهای مختلفی دارند و می تواند باعث ایجاد رونق اقتصادی گردند. متأسفانه در این

استان محروم، بدلیل فعالیت های گروهک های تروریستی در سالیان گذشته مرزها کارکرد اقتصادی خود را از دست داده و بیشتر بعنوان یک تهدید توسط مسئولین در نظر گرفته می شوند. پیشنهاد می گردد بخشی از اعتبارات طرح انسداد مرزهای استان جهت سرمایه گذاری در طرح های اشتغال زا بکار گرفته شود.

۳) یکی از مشکلات اساسی این استان عدم استفاده از موقعیت استراتژیک و مزیت های این استان در بخش ترانزیت و تجارت کالا (ترانزیت کالا از بندر چابهار به افغانستان و کشورهای آسیا میانه) است. متأسفانه عدم توجه کافی و شایسته دولت به طرح توسعه محور شرق، باعث عدم شکل گیری زیرساخت های اساسی و مورد نیاز استان جهت بهره گیری از این توان بالقوه گردیده است. بنابراین نیاز است توجه دوباره و ویژه ایی به این طرح معطوف گردد.

۴) یکی از موانع توسعه سرمایه گذاری در استان ضعف بخش خصوصی در تجهیز سرمایه کافی جهت سرمایه گذاریهای مولد جهت ایجاد اشتغال پایدار است. یکی از مهمترین ویژگی های این استان عدم استفاده از تسهیلات بانکی توسط مردم بدلیل حرام دانستن سود بانکی است. بنابراین لازم است دولت تلاش نماید با ارائه تسهیلات بلاعوض، با بهره بسیار کم یا بدون بهره سرمایه گذاری بخش خصوصی را تشویق نماید.

۵) از مشکلات اساسی این استان پایین بودن سطح سواد مردم بخصوص در مناطق روستایی است. پایین بودن سطح سواد مردم تاثیر بسیار زیادی بر میزان آگاهی آنها از شیوه و روشهای نوین تولید دارد. نبود طرح آمایش صنایع و شناسایی توانمندی های استان باعث شده است تا بدلیل پایین بودن میزان آگاهی مردم بخصوص در مناطق روستایی فعالیت های تولیدی شکل نگیرد. بنابراین پیشنهاد می گردد طرح آمایش استان بصورت دقیق و کارشناسی شده انجام گردد تا نقشه راهی برای مردم استان جهت سرمایه گذاری باشد.

۶) با توجه به تاکید دولت و نظام به توسعه سواحل مکران، نیاز است توجه ویژه ایی به بیکاران استان جهت آموزش، جذب و بهره مندی بومیان منطقه از این طرح ملی صورت گیرد.

۷) ایجاد صنایع روستایی در نقاط مختلف استان با توجه به پتانسیل های این مناطق از جمله صنایع فرآوری و بسته بندی خرما و محصولات باغی و ...

۸) با عنایت به شهرت جهانی صنایع دستی و میراث فرهنگی استان استفاده از این پتانسیل جهت ایجاد اشتغال پایدار در زمینه گردشگری و صنایع دستی.

۹) توجه ویژه به راه اندازی صنایع کاربر در سطح استان از قبیل: فعال سازی و بهره برداری از معادن استان، با توجه به واردات دام زنده در این استان ایجاد صنایع بسته بندی گوشت و ...

منابع

احسانی فر، تهمینه؛ رستمی، فرحناز؛ نادری، نادر و رضایی، بیژن (۱۳۹۵). موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۳، شماره ۲: ۱۵-۱.

تقدسی، احمد؛ جمینی، داود و جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۲). تحلیل فضایی و سطح بندی نواحی روستایی منطقه اورامانات براساس شاخص های اشتغال، فصلنامه برنامه ریزی فضایی، دوره ۳، شماره ۲: ۱۵۷-۱۸۰.

تقی بیگی، معصومه؛ آگهی، حسین و میرک زاده، علی اصغر (۱۳۹۳). بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه ی مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام آباد غرب، فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره ۵، شماره ۲: ۳۱۰-۲۸۳.

حاجی نژاد، علی؛ قادری، جعفر، خاتمی سیده سمیه و یونسی، غلامرضا (۱۳۹۳). بررسی وضعیت، شناسایی مزیت نسبی و تدوین برنامه استراتژیک توسعه اشتغال با استفاده از مدل تغییر سهم، ضریب مکانی و سوات (مطالعه موردی: شهرستان بیرجند)، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۱، شماره ۷۹: ۳۵-۵.

رستمی، میلاد و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). مطالعه بیکاری از نگاه بیکاران روستایی و پیامدهای آن (مطالعه موردی: روستای حسن آباد در شهرستان دلفان)، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۱: ۷۳-۷۳.

رضایی، مهدی (۱۳۸۳). جوانان و اشتغال مطالعه موردی بیکاری و علل پیامدهای آن در استان کردستان، دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، شیراز.

سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۵)، سالنامه آماری استان.

غفاری فرد، محمد و خوش سیما، رضا (۱۳۹۵). شناسایی بخش های اقتصادی محرک ایجاد اشتغال در استان های مختلف ایران و چشم انداز آن (رهیافت انتقال-سهم)، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، دوره ۴، شماره ۷-۲۳: ۱۴.

قادرمزی، حامد (۱۳۹۴). برنامه ریزی راهبردی توسعه اشتغال در نواحی روستایی شهرستان جوانرود، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۴، شماره ۱: ۱۳۰-۱۰۹.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). رشد صنعتی و چالش اشتغال در ایران.

ملک پور، علی (۱۳۹۲). بررسی زمینه ها و موانع اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی مقطع کارشناسی رشته های علوم انسانی شهرستان بیجار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۵۷: ۳۷-۲۴.

ملفت، حسین و حزباوی، عزیز (۱۳۹۶). بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان استان خوزستان، مجموعه مقالات هشتمین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران: تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران، دانشگاه یزد.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). گزارش خلاصه مدیریتی مطالعات استانی طرح کسب و کار و اشتغال پایدار (تکاپو).

هرندی، فاطمه و فلاح محسن خانی، زهره (۱۳۸۴). اشتغال جوانان و چالش های آن، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۵: ۱۴۶-۱۳۳.

عبادی، جعفر؛ رحمتی، محمد حسین و حداد مقدم، ملیحه (۱۳۹۶). نرخ های ورود به بیکاری و یافتن شغل در ایران، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۸۴ (۲۵): ۶۴-۴۳.

صیدایی، سید اسکندر؛ بهاری، عیسی و راعی، امیر (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال های ۱۳۸۹-۱۳۳۵، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲۵: ۲۴۷-۲۱۶.

Celik, Mucahit & Tatar, Mehmet (2011). Employment-unemployment Issue and Solution Suggestion Adiyamn Example, *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 3(2), 1211-1226.

Giacomin, Olivier., Janssen, Frank., Pruett, Mark., Shinnar, Rachel S., Llopis, Francisco & Toney, Bryan (2011). Entrepreneurial Intentions, Motivations and Barriers: Differences among American, Asian And European Students, *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(2): 219-238.

Hall, Angela., Hickox, Stacy., Kuan, Jennifer & Sung, Connie (2017). Barriers to Employment: Individual and Organizational Perspectives, In M. Ronald Buckley , Anthony

R. Wheeler , Jonathon R. B. Halbesleben (eds.). Research in Personnel and Human Resources Management (243 – 286). 35, Emerald Publishing Limited.

Hermana, Emilia & Georgescu, Maria Ana (2012). Employment Strategy for Poverty Reduction. A Romanian Perspective, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 58: 406-415.

Kapoor, Radhicka (2015). Creating jobs in India's Organised Manufacturing Sector, *The Indian Journal of Labour Economics*, 58(3), 349–375.

Muhammad, Nabeel., McElwee, Gerard & Dana, Leo-Paul (2017). Barriers to the Development and Progress of Entrepreneurship in Rural Pakistan, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 23(2): 279-295.